

Structural and Thematic Diversity of Copied Jurisprudential Works in the Second Half of the Safavid Period and Its Comparison with Jurisprudential Works of the First Half of Safavid Era, Based on Manuscripts from Iranian Libraries¹

Habibolla Azimi² 



Abstract

Purpose: The aim of this research is to analytically examine the structural diversity of jurisprudential works of the second half of the Safavid period, including books and treatises, whether they are independent or non-independent, and to determine the diversity of the subjects of treatises from this period and compare them with the compositions of the first half of the Safavid period.

Method: This research was conducted using a survey research method of content analysis type. One of the survey method tools is a checklist, which is used in this research. Given the scope of the subject, the research is conducted in a census manner. The thematic scope of this research covers jurisprudential works copied in the second half of the Safavid period, from the reign of Shah Safi (1038 AH) to the fall of this dynasty (1135 AH).

Findings: After examining the jurisprudential manuscripts that were copied during the second half of the Safavid period and comparing them with the jurisprudential manuscripts of the first half, it can be concluded that the increase in the level of teaching, learning, compilation and copying of Shiite jurisprudential books in schools and copying centers, especially from the middle of the Safavid period, has clearly experienced growth and progress. The tendency of the jurists of this period was more toward composing specific jurisprudential topics needed by society, and as a result, they mostly engaged in writing treatises on specific individual topics.

The comparative findings of the research are as follows:

The frequency of jurisprudential works in the second half is 885 works, of which 75% have a treatise structure and 25% are in book form. The frequency of jurisprudential works in the first half of the Safavid period is 554 works, of which 38% are structured as books and nearly 62% are composed with a treatise structure. The composition of treatises on topics with high frequency of copying, such as prayer, marriage, purification, inheritance, Friday prayer, and Hajj in the second half, has increased significantly compared to the composition of treatises on the same topics in the first half. Additionally, the composition of treatises on topics with relatively high and medium frequency in the second half has also shown considerable increase.

Conclusion: The increase in independent jurisprudential books in this period is mainly the result of the efforts of great jurists of the first half of the Safavid period who, in the process of establishing and expanding religious schools and continuing scholarly debates, apart from writing commentaries and marginalia on the books of previous jurists, also composed independent jurisprudential books themselves to enrich the jurisprudential and educational resources needed in religious schools. Considering the training of numerous students in Shiite schools of the first half and the increase of jurisprudential works in the second half, at the forefront of individual and collective worship, the subject of prayer and its prerequisite (purification) and its completion (Friday prayer) gained greater importance in the second half of the Safavid period. Knowledge of their rulings according to the Imamiyya School became more the focus of attention and need of the Shiite Muslim masses. Consequently, numerous copies of jurisprudential works related to these topics were repeatedly copied to make them available to scholars. Similarly, religious topics that have social and family dimensions and determine the relationship and interaction of individuals with each other, such as marriage and inheritance, also required numerous copies to be made, so that Shiites could plan their personal and family lives in accordance with religious rulings.

Keywords

Structural Diversity, Thematic Diversity, Jurisprudential Works, Jurisprudential Manuscripts, Safavid Period

1. This paper is taken from the mandatory research project in the National Library and Archives of Iran, entitled "Analytical study of the process of composition and transcription of jurisprudential works in the second half of the Safavid period with emphasis on the place of composition and reproduction, and its comparison with the works of the first period, based on manuscripts from Iranian libraries" which was completed on June 2024.

2. Associate Professor and Advisor to the Director of the National Library and Archives Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran; Azimi@nlai.ir

Article Type: Research Article

Article history: Received.11 Dec. 2024;

Accepted: 03 Mar.2025



Publisher: National Library and Archives of I.R. of Iran
© The Author.

Citation: Azimi, H. (2025). Structural and Thematic Diversity of Copied Jurisprudential Works in the Second Half of the Safavid Period and Its Comparison with Jurisprudential Works of the First Half of Safavid Era, Citing Manuscripts from Iranian Libraries. *Librarianship and Information Organization Studies*, 36(3), 254-278.

Doi: 10.30484/NASTINFO.2025.3686.2308

تنوع ساختاری و موضوعی آثار فقهی استنساخ شده در نیمه دوم دوره صفویه و تطبیق آن با آثار فقهی نیمه نخست صفوی با استناد به نسخ خطی کتابخانه های ایران^۱

حبیب الله عظیمی^۲

چکیده

هدف بررسی تحلیلی تنوع ساختاری آثار فقهی دوره دوم صفوی، اعم از کتاب و رساله، مستقل یا غیرمستقل بودن آنها و تعیین تنوع موضوعات رساله های این دوره و تطبیق آنها با تألیفات دوره اول صفویه، هدف پژوهش کنونی را شکل می دهد.

روش: این پژوهش به روش پژوهش پیمایشی از نوع تحلیل محتوا انجام شد؛ یکی از ابزارهای روش پیمایشی، سیاهه و ارسای است که در این پژوهش، از آن استفاده می شود. با توجه به دامنه موضوع، پژوهش به شیوه سرشماری انجام می شود. دامنه موضوعی این پژوهش آثار فقهی استنساخ شده در نیمه دوم دوره صفویه، از عصر پادشاهی شاه صفی (۱۰۲۸ ق.) تا زمان سقوط این سلسله (۱۱۳۵ ق.) است یافته ها: پس از بررسی نسخ خطی فقهی که در دوره دوم صفوی استنساخ شده و تطبیق آن با نسخه های فقهی دوره اول، می توان به این نتیجه رسید که افزایش میزان تعلیم و تعلم و تألیف و استنساخ کتب فقهی شیعه در مدارس و کانون های استنساخ به ویژه از میانه دوره حکومت صفویه، آشکارا از فزونی و پیشرفت برخوردار بوده است. گرایش فقه های این دوره بیشتر به سمت تألیف موضوعات خاص فقهی مورد نیاز جامعه بوده و در نتیجه، آنان بیشتر به تألیف رساله های با یک موضوع خاص پرداخته اند.

یافته های تطبیقی پژوهش عبارتند از: فراوانی آثار فقهی نیمه دوم، ۸۸۵ اثر است که ۷۵٪ از این آثار با ساختار رساله و ۲۵٪ از آنها به صورت کتاب هستند. فراوانی آثار فقهی نیمه نخست صفوی، ۵۵۴ اثر است که ۳۸٪ از آن آثار با ساختار کتاب و نزدیک ۶۲٪ از آنها با ساختار رساله تألیف شده است. تألیف رساله در موضوعات با استنساخ های زیاد مانند نماز، نکاح، طهارت، ارث، نماز جمعه و حج در نیمه دوم، نسبت به تألیف رساله در همین موضوعات در نیمه نخست افزایش قابل توجهی داشته است؛ همچنین تألیف رساله در موضوعات با فراوانی نسبتاً زیاد و متوسط در نیمه دوم نیز افزایش قابل توجهی داشته است.

نتیجه گیری: افزایش کتاب های مستقل فقهی در این دوره، عمدتاً حاصل تلاش های فقه های بزرگ دوره نخست صفوی است که در روند تأسیس و گسترش مدارس مذهبی و تداوم مباحثات علمی، جدای از آنکه بر کتاب های فقهی پیشین شرح و حاشیه نوشته اند، خودشان هم کتاب های مستقل فقهی را تألیف کرده اند تا بر غنای منابع فقهی و درسی مورد نیاز در مدارس مذهبی بیفزایند. با توجه به تربیت شاگردان متعدد در مدارس شیعی نیمه نخست و افزایش آثار فقهی در نیمه دوم، در رأس عبادات فردی و جمعی، موضوع نماز و مقدمه آن طهارت و تکمله آن نماز جمعه از اهمیت بالاتری در نیمه دوم صفوی برخوردار می شود؛ و دانستن احکام آنها مطابق با مذهب امامیه بیشتر مورد توجه و نیاز توده مسلمان شیعه قرار می گیرد؛ و در نتیجه نسخه های متعددی از آثار فقهی مرتبط با این موضوعات به کرات استنساخ شده تا در دسترس فضلا قرار گیرد. همچنین موضوعات شرعی که جنبه اجتماعی و خانوادگی دارد و ارتباط و تعامل افراد با یکدیگر را مشخص می کند مانند نکاح و ارث نیز لازم می شود تا نسخه های متعددی از آنها استنساخ شود و شیعیان بتوانند زندگی شخصی و خانوادگی خود را مطابق با احکام شرعی برنامه ریزی کنند.

کلیدواژه ها

تنوع ساختاری، تنوع موضوعی، آثار فقهی، نسخه های خطی فقهی، دوره صفویه

۱. مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی مصوب شورای پژوهشی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است که با عنوان «بررسی تحلیلی سیر تألیف و کتابت آثار فقهی در نیمه دوم دوره صفویه با تأکید بر محل تألیف و استنساخ و تطبیق آن با تألیفات دوره اول با استناد به نسخ خطی کتابخانه های ایران» در تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۵ به اتمام رسیده است.

۲. دانشیار و مشاور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ا. تهران، ایران
h-azimi@nlai.ir

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳



ناشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
© نویسنده

مقدمه

در نیمه دوم حکومت صفوی، فقها به تدریج در حکومت صفوی حضور یافته و در اداره امور مذهبی و سیاسی با دولت مشارکت کردند. بیش‌تر فقهای شیعه این دوران که متون فقهی کهن و نیز سیره فقهای پیشین را در اختیار داشتند، از نظر حمایت از سلطان عادل و پذیرفتن منصب در حکومت چنین سلطانی، تردیدی نداشتند. تا آنجا که به دولت صفوی مربوط می‌شد، روشن بود که اداره مقام صدارت و قضاوت و رسیدگی به امور شرعی، نیاز به فقه و شریعت دارد. در اینجا بود که از اواخر دولت شاه اسماعیل، نیاز به حضور فقها احساس شد. به همین دلیل و به آرامی، پای فقهای شیعه در اداره امور شرعی و قضایی در دولت صفوی باز شد. با روی کار آمدن شاه طهماسب، حضور فقیهان شیعه در دربار صفوی، سرعت بیشتری به خود گرفت و با توجه به این که طهماسب سخت معتقد به تشیع فقهی بود، روند نفوذ فقها در زمان طولانی سلطنت او بسیار سریع‌تر شد (جعفریان، ۱۳۷۹، ۱۱۹-۱۲۰). عالمانی که آرام‌آرام بر گستره فقه آموزی می‌افزودند، به پشتوانه حکومت صفوی از عوامل مهم و تأثیرگذار رشد فقهی در ایران بودند (بخشی‌استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ۱۰-۱۱).

گزارش‌های فراوانی درباره تدوین و استنساخ بسیاری از متون شیعی در نیمه دوم عصر صفوی در کتب خطی این دوره در دست است.^۱ با بررسی متون شیعی و فقهی برجای‌مانده از آن دوره می‌توان دانست که بیشتر آن‌ها در عصر صفوی سامان یافته‌اند (بخشی‌استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ۱۲). تعیین نحوه پراکندگی و توزیع ساختاری نسخ خطی فقهی استنساخ‌شده در این دوره و تعیین فراوانی و تنوع موضوعی آن‌ها، از طرفی میزان توان علمی و تسلط آنان در انجام تألیف مستقل فقهی و نحوه گرایش موضوعی طلاب و فضایی که در مدارس شیعی دوره نخست صفویه تربیت شده بودند را نشان می‌دهد؛ و از طرفی گویای زمینه‌های پیاده‌کردن موضوعات جدید مورد ابتلای توده مسلمان و آن دسته از موضوعات فقهی در جامعه شیعی است مانند نماز جمعه، خراج و احکام سلطانی که در دوره‌های قبل مهجور مانده بودند. با استناد به آمار و ارقام ساختار و موضوعات آثار فقهی تولیدشده در نیمه دوم صفوی و تطبیق آن با آثار فقهی دوره نخست آن، می‌توان با سند راجع به تنوع موضوعی و تحول در گرایش ساختاری آثار فقهی دوره صفوی اظهار نظر نمود.

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی سیر موضوعی و ساختاری آثار فقهی تألیف و نوشته‌شده و تعیین فراوانی و تنوع موضوعی و ساختاری آن‌ها در نیمه دوم دوره صفوی و تطبیق آن با تألیفات دوره اول است. پس از بررسی نسخ خطی فقهی که در این دوره تألیف

۱. برای نمونه رجوع شود به فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ج ۱۲، ص ۲۷۰ و ج ۱۴، ص ۱۰۱ و ج ۱۶، ص ۱۰، ج ۱۷، ص ۲۳۴

یا استنساخ شده و تعیین موضوعات و ساختار این کتاب‌ها و تطبیق آن با تألیفات دوره اول، می‌توان به میزان رشد و توسعه علم فقه امامیه در این دوره و تداوم این سیر صعودی پی برد؛ چنانکه نویسنده محافل‌المؤمنین - از علمای پس از عصر صفویه - معتقد است که همچون کتب دینی این دوره، در هیچ دوره دیگری نوشته نشده است (حسینی عاملی، ۱۳۸۳، ۱۰۷-۱۰۸). مدارس و حوزه‌های علمی و مذهبی این عصر از مؤثرترین و پایدارترین حامیان تشیع فقه‌ای بودند و تدریس بسیاری از متون و موضوعات مهجور شیعه همچون احکام حکومتی در مدارس نیمه دوم دوره صفوی رواج یافت.

اهداف تحقیق عبارت‌اند از تعیین فراوانی و تنوع ساختار آثار فقهی تألیف‌شده در نیمه دوم صفوی و تطبیق آن با آثار فقهی تألیف‌شده در نیمه نخست صفوی؛ مشخص کردن میزان پراکندگی موضوعی رساله‌های فقهی تألیف‌شده در نیمه دوم صفوی و تطبیق آن با رساله‌های فقهی نیمه نخست صفوی.

ادوار تاریخی ایران در دوره صفویه: با توجه به اینکه دولت صفوی، حادثه‌ها و رویدادهای مختلفی را در طی حکومتش در ایران پشت سر گذاشته است، تاریخ سیاسی آن را در یک تقسیم‌بندی به لحاظ رشد و توسعه تحولات در جنبه‌های متعدد می‌توان به دو دوره زیر تقسیم نمود:

الف) نیمه نخست، از زمان تأسیس این سلسله توسط شاه اسماعیل تا پایان حکومت شاه عباس اول (از سال ۹۰۵ ق. تا ۱۰۳۸ ق.)؛ که این دوران، به دو دوره تأسیس و شکوفایی (و اقتدار) تقسیم می‌شود (تاجبخش، ۱۳۷۸، ۶۳-۶۶؛ قزوینی، ۱۳۶۷، ۳۸-۴۰).

ب) نیمه دوم از زمان حکومت شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲) تا پایان حکومت شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵)؛ که این دوره همان عصر انحطاط و فروپاشی صفویه است (صفت‌گل، ۱۳۸۹، ۸۱). دامنه پژوهش ما در این پژوهش، نیمه دوم عصر صفوی (از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۳۵ ق.) است به دلایل زیر:

۱- در دوران سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷) تا شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵-۱۱۳۵)، قدرت فقها به‌مرور رو به فزونی گذاشت. روابط هر سه شاه با علما، نیرومندتر و شمار عالمان و فقیهانی که به‌نوعی در ارتباط با کارهای حکومتی هستند، بیش‌تر شد. شاه‌عباس دوم با تشکیل یک شورای فقهی که آن را به هدف حل یک مسئله خاص درباره هندوهای مقیم اصفهان، به راه انداخت، همکاری علما را جدی‌تر کرد (جعفریان، ۱۳۷۹، ۱۲۳).

۲- یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نیمه دوم دوره صفویه، گسترش مدارس شیعی در شهرهای مهم ایران و تألیف و استنساخ آثار متعدد فقه شیعی در آن مراکز توسط نخبگان

علمی شیعه و فقهای امامیه است که در عرصه رویارویی با سایر مذاهب اسلامی و گفتگو با ادیان غیر اسلامی نقش آفرین بودند. تأسیس مدارس در عصر صفوی به‌ویژه در دوره شکوفایی عصر صفویه یعنی از دوره شاه‌عباس اول (حکومت: ۹۹۶-۱۰۳۸ ق.) به بعد اوج گرفت و حتی دوره حکومت شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵) و شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق.) در کُنشدن روند رشد یابنده تأسیس آن‌ها تأثیر نگذارد. از این منظر، دوره ضعف و انحطاط صفویه با دوره اوج و شکوفایی ساخت مدارس هم‌زمان بوده است (بخشی‌استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ۱۰).

۳- بر اساس گزارش منابع تاریخی این دوره مانند ریاض العلماء و فهارس نسخ خطی عصر صفوی، افزایش میزان تعلیم و تعلم و تألیف و استنساخ کتب فقهی و حدیثی شیعه و روند صعودی آن در مدارس از میانه دوره حکومت صفویه، آشکارا از فزونی و پیشرفت برخوردار بوده است. این ویژگی را از متون آموزشی و کتاب‌های استنساخ شده آن دوره می‌توان استنباط کرد (بخشی‌استاد، ۱۳۹۰، ۱۲۳-۱۳۷). گزارش‌های فراوانی درباره تدوین و استنساخ بسیاری از متون شیعی در نیمه دوم عصر صفوی در کتب خطی این دوره در دست است، تعداد قابل توجهی از این آثار در مدارس نیمه دوم این دوره، تألیف یا کتابت شده‌اند که در انجамه (ترقیمه) برخی از نسخ خطی این دوره، نام مدرسه محل کتابت و کاتب آن نیز ذکر شده‌است. کثرت شروع و حواشی کتاب‌های عالمان پیشین: با بررسی فهرست آثار عهد صفویه، به کثرت شروع و حواشی کتاب‌های عالمان پیشین و افزایش ویژگی تقلید در حوزه‌های مختلف علمی این دوره در سنجش با حوزه‌های گذشته، می‌توان پی برد. اگرچه پرداختن به شرح و حاشیه‌نویسی به منابع فقهی پیشینیان می‌تواند حاکی از افزایش سطح علمی مؤلفان آن‌ها باشد، اما اندیشه‌ورزانی همچون ابن خلدون هم پیش از عصر صفویه، کثرت و رواج فراوانی شروع و حواشی را که چیزی جز تکرار اندیشه‌ها، آرا و آثار گذشتگان در بر نداشت، نشان‌دهنده نبود نوآوری و ابتکار علمی دانسته است (ابن خلدون، ۱۹۶۸/۱۳۵۳، ۱۱۲۶).

نویسنده «جامع الشروح و الحواشی» در مقدمه کتابش، به رواج و تأکید بیش از حد مدارس بر حاشیه‌نویسی و شرح آثار گذشتگان اشاره کرده و این پدیده را موجب جمود فکری و انحطاط علمی و مانعی بر راه نوآوری علوم دانسته است (حبشی، ۱۴۲۷، ۸). این آسیب در ثلث پایانی عصر صفویه رواج داشت؛ چنان‌که بیشتر نوشته‌ها، شرح و حاشیه آثار پیشینیان است. نویسنده «روضات الجنات» هنگام سخن گفتن از معالم‌الدین شیخ حسن بن شهید ثانی، آن را به‌رغم بسیاری از نوشته‌های عصر صفویه که بیشتر تکرار مکررات و مطالب بی‌فایده و بی‌قاعده بودند، کتابی خوب و محققانه می‌خواند (خوانساری، ۱۳۹۲، ۵۲). این گفته خوانساری شاهدی بر مدعای تکراری بودن محتوای بسیاری از تألیفات این دوره است.

شاردن که در سنجش با دیگر سیاحان، بیش تر به وصف تعلیم و تربیت ایران پرداخته، حاشیه پردازی را درباره نوشته های علمی، از موانع پیشرفت علمی ایران در علوم مختلف دانسته است. او عالمان و مدرسان ایران را پایبند اصول گذشتگان می داند: «ایرانیان، زیاد به تألیف و تصنیف نمی پردازند و بیشتر به نوشته های پیشینیان بسنده می کنند و استدلال می کنند و هر چه بوده آنها گفته اند و کم تر چیزی میتوان به نوشته های پیشینیان افزود» (شاردن، ۱۳۳۸/۱۹۵۶، ۳۲). فیض کاشانی نیز به این ضعف نظام تعلیمی مدارس اذعان و رواج این پدیده را در عصر صفویه نقد کرده و در این باره نوشته است: «برخی از علما و طلاب، عمر خود را در کسب چیزهایی صرف می کنند که شبیه علم است و به تقلید صرف از کتب علمی رایج می پردازند؛ بدون اینکه هیچ بصیرتی در فهم آن به کار برند (فیض کاشانی، نسخه خطی، برگ ۳۵ الف)». او این پدیده را موجب پیدایش بسیاری از کتب غیر علمی می داند.

نهضت رساله نویسی: یکی از مسائلی که در دوره صفویه رخ داد اینکه برخی از مسائل فقهی، مورد عنایت عالمان و پژوهشگران قرار گرفته و در مدت کوتاهی رساله های متعددی درباره آن نوشته شده است. رساله هایی که به منظور دفاع از اخباری گری یا تفکر اصولی، نوشته شده و یا رساله هایی که در رد یا قبول تصوف نگاشته شده و همچنین رساله هایی که درباره حکم فقهی خراج، رضاع و یا نماز جمعه و نوروزیه به رشته تحریر درآمده، همه و همه از جمله جریانات پیوسته فرهنگی این دوره از تاریخ به شمار می روند (جعفریان، ۱۳۷۰، ۱۲۱-۲۲۱).

نخستین رساله ای که به وسیله محقق کرکی^۱ نگاشته شد و در آن وجوب تخیری نماز جمعه را به اثبات رسانید، به صورت رساله ای در بحث از ولایت و فقیه درآمد. او اقامه نماز جمعه را با حضور نایب عام بر اساس واجب تخیری عنوان کرد تا با اجماع علما دایر بر قول بر عدم وجوب عینی، درگیر نشود؛ و برای اثبات اینکه نایب عام با نایب خاص تفاوتی ندارد، ادله ولایت فقیه را پیش کشید (جعفریان، ۱۳۷۰، ۱۳۳). رساله بعدی را حدود ۴۰ سال پس از آن، شهید ثانی در اثبات وجوب عینی نماز جمعه در عصر غیبت نوشته است. همین رساله است که با تأکید بر وجوب عینی، دیگران را تحریک به نوشتن رساله نموده و به دنبال آن این جریان اوج گرفته است، چنان که فقیهان عصر صفوی رساله های فراوانی در این

۱. علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی جبل عاملی معروف به محقق ثانی و محقق کرکی (۸۶۵ یا ۸۷۰ ق- ۹۴۰ ق)، از فقها و علمای مشهور شیعه در عصر صفوی است. او از وطن خود، جبل عامل مهاجرت کرد و ابتدا به عراق رفت و سپس به دعوت شاه اسماعیل صفوی به ایران آمد و در تبلیغ و ترویج تشیع، در ایران نقش مهمی را بر عهده گرفت. محقق ثانی، در فقه استدلالی خبره بود و آثار فقهی اش با اقبال خاص فقیهان بعدی مواجه شد. شاه طهماسب مقام شیخ الاسلامی، را که بالاترین مقام دینی به شمار می رفت به او داد و دستش را در امور مملکت باز گذاشت. محقق ثانی از این فرصت برای اصلاح برخی امور دربار و نیز ترویج مکتب تشیع و تثبیت مبانی آن در قلمرو حکومت صفوی نهایت بهره را برد (خوانساری روضات الجنات، ۱۳۹۰ ق، ج ۴، ص ۳۶۳).

موضوع (اثبات یا نفی وجوب نماز جمعه) نوشتند و کمتر فقهی است که در این باره مطلبی نوشته باشد. «به طوری که تا حدود دویست سال پس از آن یک صد رساله مستقل تألیف شده و پس از آن تا دوره معاصر، قریب شصت رساله دیگر بر آن افزون شد» (جعفریان، ۱۳۷۰، ۲۸۶) معمولاً کسانی که به وجوب عینی نماز جمعه قائل بودند، شرط اذن امام معصوم (ع) در عصر غیبت را نمی پذیرفتند تا نوبت به صلاحیت نیابت فقیه برسد؛ و قائلین به حرمت نیز اساساً اذن امام معصوم را چه در حضور او و چه در عصر غیبت شرط لازم می دانستند، از این رو اقامه جمعه را در عصر غیبت به دلیل آنکه شرط لازم صحت آن موجود نیست، روا نمی دانستند (رئیس الساداتی، ۱۳۹۳، ۵۹).

موضع دو گروه اخباری و اصولی درباره نماز جمعه شایان توجه است، اخباری ها، اعم از چهره های افراطی یا معتدل، غالباً به وجوب عینی نماز جمعه اعتقاد داشتند. فیض کاشانی که در مرز مکتب اجتهاد، روش عرفانی و مشی اخباری ایستاده و البته بیشتر اخباری است، قائل به وجوب عینی است (جعفریان، ۱۳۷۹، ۲۸۸). علامه مجلسی هم به عنوان یک اخباری معتدل، در شمار کسانی است که قائل به وجوب عینی نماز جمعه بوده و میان آن و نماز عصر تفاوتی نمی گذارند.

البته در میان اخباری ها قائل به حرمت نیز وجود داشت. خلیل بن غازی از آن شمار است که گرایش اخباری داشت؛ اما قائل به حرمت نماز جمعه بود (افندی، ۱۴۰۱، ق، ۱۶۲؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۳۲۹، ۴۰۲).

افزونی رساله های موضوعی فقهی در این دوره: از آثار مهم طرز فکر فقهی شیعه در زمینه اجتهاد و تقلید از آغاز دوره صفوی، اصطلاح «مجتهد الزمانی» بود که برای فقیه جامع الشرایطی که منصب شیخ الاسلامی یا ملاباشی را عهده دار بود، به کار می رفت. این عناوین برای محقق کرکی، شیخ عبدالعادل، محقق خراسانی و علامه مجلسی به کار رفته است. بالا گرفتن بحث ضرورت زنده بودن مجتهد، موجب نگارش رساله های متعدد در این زمینه شد و به عنوان یک بحث مهم درآمد و با روی کار آمدن دولت صفویه، اعتبار خاص یافت و مجتهد، حتی کسی مانند شهید ثانی که در خارج از ایران می زیست، نایب امام زمان (عج) بود. محقق کرکی نظریه پرداز دولت صفوی، مانند چند مسئله دیگر، از قبیل نماز جمعه و خراج، نخستین رساله مستقل را در این باره نوشت و دومین را شهید ثانی و شیخ حسن صاحب معالم الاصول، فرزند شهید ثانی، هم رساله ای در تأیید نظر پدرش در عدم جواز تقلید از میت نوشت. شیخ محمد بن جابر، میرزا محمد الحسن شیروانی، محمد بن حسن حرّ عاملی، سید نعمت الله الجزائري، سلیمان بن عبدالله الماحوزی و محمد باقر وحید بهبهانی و دیگران، از دیگر علمایی بودند که بعدها در این زمینه رساله نوشتند. (عقیلی، بی تا، ۲۲۱).

از موضوعات دیگری که فقهای این دوره رساله‌هایی را در آن به رشته تحریر درآوردند، تألیف رساله‌های اثنی عشریات در موضوعات چهارگانه طهارت، صوم، صلاة و حج و موضوعاتی همچون آداب تجهیز الاموات، آداب الحج، آداب الرمی یا آداب السبق و الرمایه است. **افزونی آثار فقهی در فقه حکومتی در دوره دوم صفوی:** در دوره دوم صفویه متون فقهی دقیق‌تر، عمیق‌تر و پُردامنه‌تر نسبت به دوره‌های قبل نوشته شدند؛ مانند کتاب‌های اثنی عشریات، نوشته صاحب‌معالم، حسن بن زین‌الدین عاملی و نیز شیخ بهایی که در مسیر کارهای علامه حلّی و شهید ثانی قرار داشتند و آثاری چون الروضة‌البهیة فی شرح اللمعة‌الدمشقیة شهید ثانی که در مسیر تلاش‌های انجام‌شده برای مبتنی ساختن فقه شیعه بر مبانی استدلالی مذهب امامیه قرار داشت. به‌رحال فقه شیعه با وجود فقیهان بزرگ و پرکار در این دوران به شکوفایی و رشد چشمگیری رسید (عظیمی، ۱۳۸۵، ۲۴۷-۲۴۸).

در شرایط سیاسی آن زمان، مباحث فقهی، به‌خصوص آنچه به فقه حکومتی مربوط می‌شد، در ایران و عراق درخشش نمود و حاصل آن، تألیفات فراوانی بود که به ثمر رسید. چند باب از ابواب فقه که البته در روزگار صفویه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده، فقه حکومتی است. همکاری فقها در امور حکومتی و قضائی مشروعیت یافت.

امربه‌معروف و نهی از منکر عنوان دیگری است که در آن روزگار، جامعه و دربار به آن بسیار نیازمند بودند. عنوان دیگری که فقها را بسیار به خود مشغول کرد و باعث شد که آنان در مورد آن رساله‌هایی بنویسند، مسئله غنا بود. همین‌طور فقیهان به احکام السلطانیة و فقه حکومتی توجه بیشتری نشان دادند و نوشته‌های متعددی در این زمینه ارائه کردند.

از مباحث موردتوجه دیگر، بحث درباره حدود کار فقیه، رابطه او با حکومت و دلیل مشروعیت حکومت بود. البته این موضوعات از دیرباز موردتوجه فقیهان شیعه بوده، ولی شرایط جدید حاصل از حاکمیت صفویان، پرداختن به این موضع را جدی‌تر می‌نمود (عظیمی، ۱۳۸۵، ۲۴۷-۲۴۶؛ سبجانی، ۱۴۱۹ ق. ۳۷۸؛ طارمی، ۱۳۷۵، ۸۱-۸۳). بر این اساس، فقیهان دوره دوم صفوی به این‌گونه کتاب‌ها با این موضوعات عنایت بیشتری داشته‌اند و حتی کتاب‌هایی در رد نظرات مخالفان خود نوشته‌اند. به‌عنوان مثال محقق کرکی کتابی در اثبات پرداخت خراج به حکومت صفوی نوشت که اندکی بعد ابراهیم بن سلیمان قطیفی از فقیهان نجف، کتابی در رد آن تألیف نمود. بعدها محقق اردبیلی در حمایت از قطیفی و شیخ ماجد شبانی در دفاع از محقق کرکی رساله‌هایی نوشتند (گرجی، ۱۳۷۷، ۲۳۰).

رشد اخباری‌گری در نیمه دوم عصر صفوی: یکی از ویژگی‌های فقاہت در عصر صفویه، ظهور و رشد اخباری‌گری است. در قرن یازدهم هجری، گروهی از دانشمندان شیعه با استناد به این‌که اهل سنت مؤسس علم اصول‌اند و اصحاب امامان برای به دست‌آوردن

احکام شرعی از قواعد این علم استفاده نمی‌کردند و با استناد به این‌که استفاده از قواعد علم اصول در استنباط احکام، سبب می‌شود احادیث اهمیت خود را از دست بدهند، معتقد بودند که منبع استنباط فقه شیعه فقط کتاب و سنت است، نه آنچه مجتهدان می‌گویند.

از مهم‌ترین پیشوایان این گروه، مولی محمدامین استرآبادی (درگذشته ۱۰۳۶ ق.) است که همه مجتهدان راه از قدیمین تا شهیدین و دیگران، به باد انتقاد می‌گرفت و همه را پیرو مکتب اهل سنت می‌دانست. او که از پژوهشگران و محدثان شیعه بود (خوانساری، بی‌تا، ۳۳؛ حرّعاملی، ۱۳۸۵، ۴۹۴) و مسلک اخباری را در بین علمای شیعه ترویج می‌کرد و در برابر اصولیین به شدت موضع‌گیری می‌کرد، کتاب «الفوائد المدينة» را در زمان اقامتش در شهر مدینه و به‌منظور رد مجتهدان و اصولیین نوشت (گرجی، ۱۳۷۷، ۲۳۱ - ۲۳۰). به‌زودی گرایش به اندیشه اخباری‌گری بین فقیهان شیعه افزایش یافت.

بدین ترتیب اخباری‌گری از دهه‌های نخست قرن دوازدهم بر مراکز علمی ایران و عراق غلبه پیدا کرد و چند دهه فقه شیعه را در تصرف انحصاری خود داشت تا این‌که در نیمه دوم همین قرن در برابر گرایش‌های اصولی شکست خورد و مراکز اصلی اخباریان به بحرین منتقل گردید. آخرین چهره برجسته از اخباریان این دوره شیخ یوسف بحرانی (درگذشته ۱۱۸۶ ق.) فقیه مشهور و صاحب کتاب الحقائق الناضره بود (عظیمی، ۱۳۸۵، ۲۵۱ - ۲۵۰).

در این پژوهش، پژوهشگر درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. فراوانی و تنوع ساختار آثار فقهی تألیف‌شده در نیمه دوم صفوی به چه میزان است؟
۲. میزان پراکندگی موضوعی رساله‌های فقهی تألیف‌شده در دوره دوم صفوی به چه نحو است؟
۳. تطبیق ساختاری و فراوانی آثار فقهی تألیف‌شده در دوره دوم با آثار فقهی تألیف‌شده در دوره نخست صفوی چگونه است؟
۴. تطبیق فراوانی موضوعی رساله‌های فقهی دوره دوم با آثار دوره نخست صفوی چگونه است؟

پیشینه پژوهش

پروغ (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه‌اش با عنوان «نقش علمای جبل عامل در تعمیم و تثبیت تشیع اثنی‌عشری در ایران» با روش اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی نقش علمای جبل عامل در دوره صفوی پرداخته و چنین نتیجه گرفته که علمای جبل عامل از سویی توانستند با انتقال افکار و دانش خود در زمینه‌های گوناگون نسلی از فقیهان را تربیت کنند که بعدها امور سیاسی دولت صفوی را به دست گیرند؛ و فقه شیعه را در ابعاد سیاسی و حکومتی آن غنا بخشند و از سوی دیگر به حکومت صفوی به مثابه حکومتی شیعه یاری رسانند تا در نظر مردم به‌منزله حکومتی مشروع پذیرفته شود. نصیری و امینه (۱۳۸۹)، در مقاله خود با عنوان «نقش علما و

دانشمندان عصر صفوی در گسترش فرهنگ شیعه^۱ به فعالیت‌ها و تلاش دانشمندان شیعی در اعتلای فرهنگ شیعه در عصر صفوی پرداخته‌اند؛ و نتیجه گرفته‌اند که از دستاوردهای ملی و دینی حکومت صفویه، شیعه‌کردن حاکمیت و مردم و استفاده از سرمایه عظیم دلدادگی ملت ایران به اهل بیت (ع) و عملکرد به آن در مناطق مختلف ایران با شیوه‌های گوناگون بوده است. بهمنی (۱۳۹۰)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر مدارس مذهبی اصفهان در گسترش و تثبیت تشیع در عصر صفویه» به روش توصیفی تحلیلی به بررسی نقش و تأثیر مدارس مذهبی در دوره صفوی پرداخته و چنین نتیجه گرفته که در عصر شاه‌عباس اول و جانشینان وی، مدرسه‌سازی رشد چشمگیری را در شهرهای مختلف به‌ویژه اصفهان داشته است. این مدارس نقش مهمی را در عرصه تولید اندیشه تشیع در جامعه و پرورش عالمان صاحب‌نام و مقابله با اندیشه‌های معارض ایفا کرده‌است. شکل‌گیری این مدارس به‌نوعی همکاری دوجانبه نهاد مذهبی و نهاد سیاسی بوده‌است که این تعامل حوزه دین و سیاست از یک‌سو به گسترش مدارس دینی این دوره انجامید و از سوی دیگر در تثبیت پایه‌های حکومت صفوی مؤثر افتاد. شجاعی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه‌اش با عنوان «کارنامه علمی و فرهنگی دولت‌های شیعه در ایران تا پایان دوره صفویه و تأثیرات آن در تاریخ اسلام» به بررسی نحوه تأسیس دول شیعی در ایران و فعالیت‌های علمی و فرهنگی آنان پرداخته و سابقه اوضاع مذهبی و فرهنگی شهرهای مهم ایران تا دوره صفوی از دید مورخان مختلف را بیان کرده و سعی نموده تا تمامی زوایای تأثیرگذار علمی و فرهنگی، جنبش‌های فرهنگی و مراسم‌های بین شیعیان را مورد بررسی قرار دهد. رئیس‌الساداتی (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه خود با عنوان «فقه و فقهات در دوره صفوی»، چند باب از ابواب فقه که در روزگار صفویه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده (همچون: فقه حکومتی، اقامه نماز جمعه، امر به معروف و نهی از منکر و مسئله غنا) را مورد بررسی قرار داده و چنین نتیجه گرفته که موضوعات این ابواب فقهی در حکومت شیعی صفویه زمینه اجرای آن‌ها پدید آمده و موضوعات پرکاربرد در بین فقهای این دوره شده‌است. عظیمی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «گسترش تولید کتب فقهی و پراکندگی جغرافیایی آن در دوره صفوی اول در ایران با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران» که با روش پژوهش پیمایشی از نوع تحلیل محتوا انجام شده چنین نتیجه گرفته که از ۵۵۴ عنوان آثار فقهی تألیف‌شده در دوره صفوی اول، ۳۸/۳٪ آن با ساختار کتاب و ۶۱/۷٪ آن در قالب رساله تألیف شده‌است. بیش از ۵۴٪ از کتاب‌های غیرمستقل فقهی امامیه که در شرح یا حاشیه کتاب‌های دیگر نگاشته شده، مشتمل بر ابواب مختلف فقهی و قریب به ۳۹٪ آن در موضوع نماز و کتاب‌های محدودی در موضوع ارث، حج و روزه است. فراوانی موضوعی در ۱۶۶ رساله متوسط و بلند فقهی امامیه در موضوعات بیش از ۵ عنوان تألیف عبارت‌اند از احکام

و واجبات نماز، ارث، نماز جمعه، مناسک حج، سؤال و جواب فقهی، فروع و رساله‌های عملیه و فتوایی، طهارت، صیغه‌های عقود و ایقاعات.

عظیمی (۱۴۰۲)، در مقاله «استنساخ کتاب‌های فقهی در دوره صفویه اول در ایران با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران» چنین نتیجه گرفته که ۲۱۲ عنوان از ۵۵۴ عنوان مربوط به کتاب‌های فقهی تألیف و استنساخ شده و مابقی مربوط به رساله‌های فقهی است. کتاب‌های فقهی که نسخه‌های متعددی از آن‌ها در این دوره نوشته شده و این آثار از علمای مهاجر یا معاصر صفویه و یا فقه‌های مشهور متقدم و کتاب‌های جامع فقهی و استدلالی بوده‌اند، فراوانی استنساخ این آثار عمدتاً برای تأمین نیاز منبع درسی در مدارس شیعی است که در شهرهای مهم و بزرگ ایران در این دوره تأسیس شده‌است.

محمدسفیان (۱۴۰۳ق)، در پایان‌نامه عربی‌اش با عنوان «الاسوس المعرفیه لسلطه العلماء فی جبل عامل»، ضمن بررسی علل مهاجرت و فرار گروه‌گروه از ساکنان جبل عامل از خشم عثمانی‌ها و استقبال آنان از دعوت شاه اسماعیل و شاه‌طهماسب برای مهاجرت به ایران، به نقش برجسته و علمی علمای جبل عامل در ایران پرداخته و در آن، چنین مطرح شده که علمای جبل عامل همچون سایر نخبگان فکری جوامع مسلمان، بیشتر تحت تأثیر ملاحظات عقیده‌ای قرار گرفته‌اند و موضع طبقاتی، وضعیت اجتماعی و منافع مفروض همراه با آنان سامان‌دهنده رفتار آنان تلقی شده‌است.

مقاله‌هایی هم مرتبط با موضوع فقه سیاسی شیعه و تاریخ دوره صفوی و سیاست مذهبی صفوی منتشر شده که تناسب مستقیمی با موضوع این پژوهش ندارند مانند آیین^۱ (۱۹۷۰)، در مقاله‌ای به زبان فرانسه با عنوان «سیاست مذهبی صفوی‌ها» به سیاست مذهبی صفویه در جهت رسمی‌شدن مذهب شیعه در ایران پرداخته و رومر^۲ (۱۹۸۶)، در مقاله به زبان انگلیسی با عنوان «دوره صفویه» به تاریخ ایران در دوره صفویه پرداخته است. لکزایی (۱۴۳۸ق) در مقاله عربی «المنهجیه المعرفیه للفقهاء السياسی عند الشیعه الامامیه» روند شکل‌گیری و توسعه فقه سیاسی نزد فقه‌های شیعه را بررسی کرده‌است.

طبق بررسی‌ها، به‌جز پژوهش‌های عظیمی (۱۴۰۱ و ۱۴۰۲) که کاملاً مرتبط با موضوع این پژوهش است، پژوهش‌های دیگر را می‌توان در چهار محور کلی طبقه‌بندی نمود، ۱- بررسی تاریخچه فقه و فقه‌های شیعه از ابتدا تا پایان صفویه همراه با بررسی ابوابی از فقه که در روزگار صفویه دارای اهمیت شده است؛ ۲- بررسی نقش و تأثیر مدارس مذهبی و نظام

^۱ Jean Aubin

^۲ Roemer

طلبگی و تشکیلات آموزشی در دوره صفوی؛ ۳- بررسی نقش علمای جبل عامل در تثبیت تشیع و شکل‌گیری تشکیلات دینی؛ ۴- بررسی فعالیت‌های علمی و فرهنگی دولت‌های شیعی و نقش علما و دانشمندان شیعه در گسترش فرهنگ تشیع و علل و نتایج تعاملات سلاطین صفوی با علمای شیعه.

چنانکه مشاهده می‌شود، اهداف و پرسش‌های پژوهش حاضر کاملاً متفاوت با پژوهش‌های مشابه است، به‌ویژه آنکه یافته‌های این پژوهش با جستجو و با استناد به انبوهی از مجموعه‌های نسخ خطی فهرست شده در کتابخانه‌های ایران (بالغ بر ۳۲۰۰۰۰ نسخه خطی) است؛ و انجام این پژوهش در قلمرو زمانی نیمه دوم دوره صفویه و مقایسه تطبیقی یافته‌های دوره دوم با یافته‌های دوره نخست، روند رشد و توسعه تألیف رساله‌های موضوعی در موضوعات پرکاربرد را نشان می‌دهد. علاوه بر آنکه میزان تأثیر تربیت‌شدگان در مدارس شیعی دوره صفوی در جهت‌دهی اندیشه‌های فقهی مسلمانان و التزام عملی آنان به احکام و مسائل شرعی را تبیین می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش به روش پژوهش پیمایشی از نوع تحلیل محتوا انجام شد؛ یکی از ابزارهای روش پیمایشی، سیاهه واری است که در این پژوهش، از آن استفاده شده و با توجه به دامنه موضوع، پژوهش به شیوه سرشماری انجام شده است. یافته‌ها با استفاده از مطالب علمی و ادبیات پژوهش و مقایسه با یافته‌های مشابه در نیمه نخست دوره صفوی، به‌صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. منابع اصلی برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، مجموعه ۴۵ جلدی ویرایش نخست فنخا، پورتال کتابخانه‌های بزرگ کشور همانند ملی، آستان قدس رضوی، مجلس شورای اسلامی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و پورتال آقابزرگ طهرانی است. نسخه‌های استنساخ‌شده، کتاب‌ها، رساله‌ها و تفکیک موضوعی آثار فقهی این دوره در سیاهه واری وارد شده و پس از تکمیل این فرایند، اطلاعات جمع‌آوری شده در چند جدول مطابق با اهداف و پرسش‌های پژوهش طبقه‌بندی شده و در آخر، یافته‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

یافته نخست: تقسیم‌بندی ساختاری نسخه‌های مورد پژوهش

نسخه‌های مورد پژوهش از نظر ساختاری با دو مؤلفه کلی شناسایی می‌شوند. مؤلفه اول: کتاب یا رساله بودن. مؤلفه دوم: مستقل یا غیرمستقل بودن. هر کتاب یا رساله، به‌صورت تألیف مستقل یا غیرمستقل (شرح و حاشیه بر اثر دیگر) است.

جدول ۱- فراوانی و تنوع ساختار آثار فقهی تألیف شده در نیمه دوم صفوی

ردیف	نوع اثر	تألیف مستقل یا غیرمستقل (حاشیه و شرح بر اثر دیگر)	تعداد	درصد
۱	کتاب	مستقل	۲۲۱	۲۵٪
		غیرمستقل		
۲	رساله	مستقل	۶۶۴	۷۵٪
		غیرمستقل		
۳	مجموع		۸۸۵	۱۰۰٪

جدول شماره ۱، بیان‌کننده وضعیت ساختار نسخ خطی فقهی نیمه دوم دوره صفوی از نظر نوع کتاب یا رساله بودن و مستقل یا غیرمستقل بودن آن‌هاست. نتایج به دست آمده حاکی از این است که ۷۵٪ از آثار فقهی نیمه دوم صفوی با ساختار رساله و ۲۵٪ از این آثار به صورت کتاب هستند. گرایش فقه‌های این دوره بیشتر به سمت تألیف موضوعات خاص فقهی مورد نیاز جامعه بوده و رساله‌هایی را در آن موضوعات تألیف نموده‌اند. چنانکه تدوین تمام موضوعات فقهی (به صورت کتاب جامع فقهی مشتمل بر همه ابواب فقهی) با ساختار کتاب در این دوره چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

تحلیل نتایج یافته نخست: نزدیک به نیمی از آثار فقهی تألیف شده با ساختار کتاب در این دوره (۴۶٪)، تألیفات مستقل است و کمی بیش از نیم دیگر (۵۴٪)، شروح و حواشی است که بر کتاب‌های دیگر نگاشته شده است. افزایش کتاب‌های مستقل فقهی در این دوره، عمدتاً حاصل تلاش‌های فقه‌های بزرگ دوره نخست صفوی همچون محقق کرکی، علامه مجلسی و شیخ بهایی است که در روند تأسیس و گسترش مدارس مذهبی و تداوم مباحثات علمی، جدای از آنکه بر کتاب‌های فقه‌های پیشین شرح و حاشیه نوشته‌اند، خودشان هم کتاب‌های مستقل فقهی را تألیف کرده‌اند تا بر غنای منابع فقهی و درسی مورد نیاز در مدارس مذهبی بیفزایند.

تألیف ۹۳٪ از رساله‌های فقهی این دوره، به صورت مستقل، نشان‌دهنده آن است که برخی از آن‌ها توسط فقه‌های مشهور و برخی دیگر توسط شاگردان تربیت شده آنان در مدارس مذهبی صورت گرفته و این امر ناشی از نیاز جامعه علمی و نشان‌دهنده بلوغ علمی تربیت‌شدگان مدارس و حوزه‌های علمیه است.

یافته دوم: نحوه تعیین میزان پراکندگی موضوعی رساله‌های فقهی تألیف شده در این دوره میزان فراوانی رساله‌های تألیف شده در موضوعات فقهی در ۵ محدوده موضوعی: با تعدد نسخه‌های زیاد، فراوانی نسخه‌های نسبتاً زیاد، فراوانی متوسط، فراوانی نسبتاً کم و خیلی کم در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- نحوه پراکندگی موضوعی رساله‌های تألیف‌شده فقهی این دوره

ردیف	محدوده فراوانی موضوعها	عنوان رساله	تعداد رساله‌های تألیف‌شده
۱	موضوعات با رساله‌های متعدد (بالای ۴۰ عنوان رساله)	نماز (نیت، اذان و اقامه، وضو، قبله، ...)	۱۳۶
		نکاح (رضاع، طلاق، متعه، ...)	۶۰
		طهارت (غسل، آب کر، ...)	۵۰
		ارث	۴۹
		نماز جمعه	۴۶
۲	موضوعات دارای رساله‌های نسبتاً زیاد (بین ۲۰ تا ۴۰ عنوان رساله)	حج	۲۸
		پرسش و پاسخ فقهی (جواب مسائل فقهی)	۲۶
		مسائل فقهی و استفتا	۲۲
۳	موضوعات متوسط (بین ۱۰ تا ۲۰ عنوان رساله)	معاملات و ملکیت	۱۸
		خمس و زکات	۱۸
		اوزان شرعی (اوزان و مقادیر)	۱۴
		احکام تجهیز میت	۱۲
		صید، اسب‌دوانی و تیراندازی	۱۱
		نذر	۱۱

ردیف	محدوده فراوانی موضوعها	عنوان رساله	تعداد رساله‌های تألیف شده
۴	موضوعات نسبتاً کم (بین ۵ تا ۱۰ عنوان رساله)	حدود، قصاص و دیات	۸
		صیغ عقود	۸
		احکام نواصب، اهل کتاب و مرتد	۸
		روزه	۷
		قضا و شهادت	۷
		غنا	۷
		رؤیه الهلال	۶
		تنباکو، توتون و قهوه	۶
		تقلید	۵

مطابق با یافته‌های این جدول موضوع نماز (و مسائل مرتبط با آن) بالاترین فراوانی را در تألیف رساله‌های فقهی دارد؛ و سپس موضوعات نکاح، طهارت، ارث و نماز جمعه با فاصله معناداری از نماز، رتبه‌های بعدی را در میزان فراوانی رساله‌های تألیف شده در آن موضوعات را دارند.

موضوعات دارای فراوانی متوسط در تألیف رساله‌های فقهی در آن‌ها عبارت‌اند از معاملات و ملکیت، خمس و زکات، اوزان شرعی، تجهیز میت، صید، تیراندازی و نذر. موضوعاتی که فراوانی نسبتاً کم در تألیف رساله در آن موضوعات دارند (بین ۵ تا ۱۰ عنوان رساله)، عبارت‌اند از حدود و قصاص و دیات، صیغ عقود، احکام نواصب و اهل کتاب، قضا و شهادت، روزه، غنا، رؤیه الهلال، تنباکو و توتون، تقلید. مابقی موضوعات، دارای فراوانی خیلی کم در تألیف رساله در آن موضوعات (بین ۱ تا ۵ عنوان) را دارند.

تحلیل نتایج یافته دوم: بالاترین فراوانی موضوعی آثار تألیف و استنساخ‌شده در این دوره، موضوعات نماز، طهارت، نماز جمعه، نکاح و ارث است. با توجه به رسمی شدن مذهب شیعه توسط حکومت صفویه و تربیت شاگردان متعدد در مدارس شیعی نیمه نخست، در رأس عبادات فردی و جمعی، موضوع نماز و مقدمه آن طهارت و تکمله‌اش نماز جمعه از اهمیت بالاتری در نیمه دوم صفوی برخوردار می‌شود؛ و دانستن احکام آن‌ها مطابق با مذهب امامیه بیشتر مورد توجه و نیاز توده مسلمان شیعه قرار می‌گیرد؛ و در نتیجه نسخه‌های متعددی از آثار فقهی مرتبط با این موضوعات به کرات تألیف و استنساخ‌شده تا در دسترس فضلا قرار

گیرد. همچنین موضوعات شرعی که جنبه اجتماعی و خانوادگی دارد و ارتباط و تعامل افراد با یکدیگر را مشخص می‌کند، مانند نکاح و ارث نیز لازم می‌شود تا با فراوانی بالایی استنساخ شود تا شیعیان بتوانند زندگی شخصی و خانوادگی خود را مطابق با احکام شرعی برنامه‌ریزی کنند. استنساخ آثار فقهی در موضوعات حج، پرسش و پاسخ فقهی و مسائل شرعی در این دوره دارای فراوانی نسبتاً زیاد است. دانستن احکام عمل عبادی حج برای افراد مستطیع، مورد نیاز فراوان بوده، همچنین آثاری با موضوع سؤال و جواب شرعی و مسائل شرعی با توجه با نیاز فاضلان برای دانستن احکام شرعی و آموزش آن‌ها به دیگران مورد اهتمام قرار گرفته‌است. یافته سوم پژوهش: تطبیق ساختاری و فراوانی آثار فقهی تألیف‌شده در این دوره با آثار فقهی دوره قبل

درخصوص نحوه توزیع ساختاری و میزان فراوانی آثار فقهی دو دوره صفوی، داده‌های مرتبط با این موضوع در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- نحوه توزیع تطبیقی ساختاری و فراوانی آثار فقهی مورد مطالعه ادوار صفوی

۱		ساختار اثر	تعداد	مجموع	درصد
۲	کتاب نیمه نخست	کتاب مستقل (مشمول بر ابواب فقهی) نیمه نخست صفوی	۴۵	۲۱۲	۳۸/۳٪
		کتاب غیرمستقل (شرح یا حاشیه بر کتاب دیگر) نیمه نخست	۱۶۷		
	کتاب نیمه دوم	کتاب مستقل نیمه دوم صفوی	۱۰۲	۲۲۱	۲۵٪
		کتاب غیرمستقل نیمه دوم	۱۲۰		
۳	رساله	رساله نیمه نخست صفوی		۳۴۲	۶۱/۷٪
	رساله	رساله نیمه دوم صفوی		۶۶۴	۷۵٪
۴	فراوانی آثار فقهی نیمه نخست صفوی			۵۵۴	۱۰۰٪
۵	فراوانی آثار فقهی نیمه دوم صفوی			۸۸۵	۱۰۰٪

مطابق با یافته‌های این جدول، فراوانی آثار فقهی نیمه نخست صفوی، ۵۵۴ اثر و فراوانی آثار فقهی نیمه دوم، ۸۸۵ اثر است. چنانکه ۳۸٪ از آثار فقهی نیمه نخست صفوی با ساختار کتاب و نزدیک ۶۲٪ از آن‌ها با ساختار رساله تألیف شده‌است در حالی که در نیمه دوم، ۲۵٪ از آثار با ساختار کتاب و ۷۵٪ مابقی با ساختار رساله است. تألیفات فقهی دوره دوم از ساختار کتاب کاسته شده و بر ساختار رساله افزوده شده است.

تحلیل نتایج یافته سوم: به جهت توسعه مدارس مذهبی در دوره صفوی و تربیت شاگردان متعدد در این مدارس، فراوانی تولید آثار فقهی در نیمه دوم صفوی (۸۸۵ اثر) بیشتر از نیمه نخست (۵۵۴ اثر) است. در نیمه نخست صفوی چون از طرفی مذهب شیعه امامیه، مذهب رسمی کشور شد و از طرف دیگر مدارس مذهبی و حوزه‌های درسی دینی در پایتخت و شهرهای دیگر ایران به تازگی تأسیس گردید، لازم بود برای تأمین منابع درسی مدارس، کتاب‌هایی تألیف شود که البته بیشتر این کتاب‌ها، شرح و حاشیه بر کتاب‌های فقهی دوره‌های پیشین بود، اما در دوره دوم، تألیف کتاب کمتر مورد نیاز شد؛ در عوض، درصد تألیف رساله‌های موضوعی در نیمه دوم افزایش یافت و این به جهت مطرح شدن مسائل مورد نیاز جامعه همچون موضوعات نماز و احکام مرتبط با آن، نکاح، طهارت، ارث و نماز جمعه و لزوم افزایش تألیفات در خصوص این موضوعات در قالب رساله برای پاسخگویی به پرسش‌های مطرح شده در مجامع علمی و تعیین تکلیف مکلفین در موضوعات مطرح شده است.

یافته چهارم پژوهش: تطبیق فراوانی موضوعی رساله‌های فقهی دوره دوم با آثار دوره نخست صفوی

میزان فراوانی موضوعی رساله‌های تألیف شده در دوره دوم و مقایسه تطبیقی آن با رساله‌های نیمه نخست صفوی در جدول شماره ۴ تعیین شده است.

جدول ۴- فراوانی موضوعی تطبیقی رساله‌های فقهی ادوار صفویه

ردیف	محدوده فراوانی موضوع‌ها	عنوان رساله	تعداد رساله‌های تألیف‌شده در نیمه دوم	تعداد رساله‌های نیمه نخست
۱	موضوعات با فراوانی زیاد (بالای ۴۰ عنوان رساله)	نماز (نیت، اذان و اقامه، وضو، قبله،...)	۱۳۶	۵۲
		نکاح (رضاع، طلاق، متعه، ...)	۶۰	۱۱
		طهارت (غسل، آب کُر، ...)	۵۰	۸
		ارث	۴۹	۱۶
		نماز جمعه	۴۶	۱۴
۲	موضوعات دارای نسخه‌های متعدد (بین ۲۰ تا ۴۰ عنوان رساله)	حج	۲۸	۱۲
		پرسش و پاسخ فقهی (جواب مسائل فقهی)	۲۶	۱۲
		مسائل فقهی و استفتا	۲۲	۷
۳	موضوعات با نسخه‌های متوسط (بین ۱۰ تا ۲۰ عنوان رساله)	معاملات و ملکیت	۱۸	۳
		خمس و زکات	۱۸	۴
		اوزان شرعی (اوزان و مقادیر)	۱۴	۲
		احکام تجهیز میت	۱۲	۵
		صید، اسب‌دوانی و تیراندازی	۱۱	۵
		نذر	۱۱	-
		حکم مسکر و شطرنج و رقص	۳	۶

ردیف	محدوده فراوانی موضوع‌ها	عنوان رساله	تعداد رساله‌های تألیف شده در نیمه دوم	تعداد رساله‌های نیمه نخست
۴	موضوعات دارای نسخه‌های نسبتاً کم (بین ۵ تا ۱۰ عنوان رساله)	حدود، قصاص و دیات	۸	۱
		صیغ عقود	۸	۶
		احکام نواصب، اهل کتاب و مرتد	۸	-
		روزه	۷	۴
		قضا و شهادت	۷	۴
		غنا	۷	-
		رؤیه الهلال	۶	-
		تنباکو، دخان، توتون و مخدرات	۶	۴
		تقلید	۵	-

مطابق با داده‌های این جدول، تألیف رساله در موضوعات با فراوانی زیاد مانند نماز، نکاح، طهارت، ارث، نماز جمعه و حج در نیمه دوم، نسبت به تألیف رساله در همین موضوعات در نیمه نخست افزایش قابل توجهی داشته است؛ همچنین تألیف رساله در موضوعات نسبتاً زیاد و متوسط در نیمه دوم افزایش زیادی نسبت به نیمه نخست داشته است.

تحلیل نتایج یافته چهارم: افزایش تألیف رساله‌های موضوعی در نیمه دوم صفوی نسبت به نیمه اول، به جهت گسترش مدارس مذهبی و تربیت شاگردان متعدد در آن مدارس و نیاز توده مسلمان شیعه برای دانستن احکام فقهی آن موضوعات بوده است. فراوانی زیاد تألیف در موضوعاتی مانند نماز، طهارت، نکاح، ارث و نماز جمعه، نشان‌دهنده نیاز شدید توده مسلمان شیعه در وهله نخست به دانستن احکام عبادی فردی مانند نماز و طهارت و در مرحله دوم، احکام خانوادگی مانند نکاح و ارث و سپس احکام عبادی سیاسی مانند نماز جمعه است.

فراوانی نسبتاً زیاد موضوعاتی مانند پرسش و پاسخ فقهی (جواب مسائل فقهی) و مسائل فقهی و استفتاء، حاکی از نیاز به دانستن احکام عملی فقهی شیعیان و میزان التزام آنان به جهت‌دهی مذهبی زندگی‌شان بر اساس موازین شرع مقدس اسلام بوده، به‌ویژه آنکه در این دوره مبحث لزوم تقلید شیعیان از مجتهد حیّ و زنده، مطرح می‌شود و مسلمانان لازم

می‌بینند که با تقلید از یک مجتهد زنده، احکام شرعی را فراگرفته و آن‌ها را عملی کنند. تألیف رساله‌های موضوعی از قبیل معاملات و ملکیت، خمس و زکات، اوزان شرعی، احکام تجهیز میت، صید و مسابقه و اسب‌دوانی، نذر، حدود و قصاص و دیات در مراحل بعدی از فراوانی قرار می‌گیرند و موضوعاتی هستند که حسب نیاز به آن‌ها مراجعه می‌شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از:

یافته نخست: فراوانی آثار فقهی نیمه دوم، ۸۸۵ اثر و فراوانی آثار فقهی نیمه نخست صفوی، ۵۵۴ اثر است. تدوین تمام موضوعات فقهی (به‌صورت کتاب جامع فقهی مشتمل بر همه ابواب فقهی) با ساختار کتاب در این دوره چندان مورد توجه قرار نگرفته است. گرایش فقه‌های این دوره بیشتر به سمت تألیف موضوعات خاص فقهی مورد نیاز جامعه بوده و رساله‌هایی در آن موضوعات را تألیف نموده‌اند. موضوع نماز (و مسائل مرتبط با آن) بالاترین فراوانی را در تألیف رساله‌های فقهی در این موضوع را دارد؛ و سپس موضوعات نکاح، طهارت، ارث و نماز جمعه با فاصله معناداری از نماز، رتبه‌های بعدی را در میزان فراوانی رساله‌های تألیف‌شده در آن موضوعات را دارند.

یافته دوم: افزایش کتاب‌های مستقل فقهی در دوره دوم صفوی، چنانکه پرغو (۱۳۸۸) هم در پایانه‌اش نتیجه گرفته عمدتاً حاصل تلاش‌های فقه‌های بزرگ دوره نخست صفوی همچون محقق کرکی، علامه مجلسی و شیخ بهایی است که در روند تأسیس و گسترش مدارس مذهبی و تداوم مباحثات علمی، جدای از آنکه بر کتاب‌های فقه‌های پیشین شرح و حاشیه نوشته‌اند، خودشان هم کتاب‌های مستقل فقهی را تألیف کرده‌اند تا بر غنای منابع فقهی و درسی مورد نیاز در مدارس مذهبی بیفزایند.

تألیف ۹۳٪ از رساله‌های فقهی دوره دوم صفوی، به‌صورت مستقل، همان‌طور که بهمنی (۱۳۹۰) در پژوهش خود نتیجه گرفته، نشان‌دهنده آن است که برخی از آن‌ها توسط فقه‌های مشهور و برخی دیگر توسط شاگردان تربیت‌شده آنان در مدارس مذهبی صورت گرفته و این امر ناشی از نیاز جامعه علمی و نشان‌دهنده بلوغ علمی تربیت‌شدگان مدارس و حوزه‌های علمیه است.

یافته سوم: تألیف رساله در موضوعات با فراوانی زیاد مانند نماز، نکاح، طهارت، ارث، نماز جمعه و حج در نیمه دوم صفوی، نسبت به تألیف رساله در همین موضوعات در نیمه نخست افزایش قابل توجهی داشته است؛ همچنین تألیف رساله در موضوعات با فراوانی نسبتاً زیاد و فراوانی متوسط در نیمه دوم نیز افزایش زیادی نسبت به نیمه نخست داشته است.

بالاترين فراوانى موضوعى آثار استنساخ شده در دوره دوم صفوى، موضوعات نماز، طهارت، نماز جمعه، نکاح و ارث است. چنانکه نصيرى و امينه (۱۳۸۹) در مقاله‌شان نتيجه گرفته‌اند، با توجه به رسمى شدن مذهب شيعه توسط حکومت صفويه و تربيت شاگردان متعدد در مدارس شيعى نيمه نخست، در رأس عبادات فردى و جمعى، موضوع نماز و مقدمه آن طهارت و تکمله آن نماز جمعه از اهميت بالاترى در نيمه دوم صفوى برخوردار مى‌شود و رئيس الساداتى (۱۳۹۳) هم در پايان‌نامه‌اش به اين موضوع تصريح کرده که چندباب از ابواب فقه که در روزگار صفويه از اهميت ويژه‌اى برخوردار بوده مانند فقه حکومتى، اقامه نماز جمعه و...، در حکومت شيعى صفويه زمينه اجراى آن‌ها پديد آمده و موضوعات پرباربرد در بين فقهاى اين دوره شده است. در اين دوره، دانستن احکام شريعت مطابق با مذهب اماميه بيشتر مورد توجه و نياز توده مسلمان شيعه قرار مى‌گيرد؛ و در نتيجه نسخه‌هاى متعددى از آثار فقهى مرتبط با اين موضوعات به کرات استنساخ شده تا در دسترس فضلا قرار گيرد. همچنين موضوعات شرعى که جنبه اجتماعى و خانوادگى دارد و ارتباط و تعامل افراد با يکديگر را مشخص مى‌کند مانند نکاح و ارث نيز لازم مى‌شود تا با فراوانى بالايى استنساخ شود تا شيعيان بتوانند زندگى شخصى و خانوادگى خود را مطابق با احکام شرعى برنامهريزى کنند

يافته چهارم: به جهت توسعه مدارس مذهبى در دوره دوم صفوى و تربيت شاگردان متعدد در اين مدارس، فراوانى توليد آثار فقهى در نيمه دوم صفوى (۸۵ اثر) بيشتر از نيمه نخست (۵۵۴ اثر) است. در نيمه نخست صفوى چون از طرفى مذهب شيعه اماميه، مذهب رسمى کشور شد و از طرف ديگر همان‌طور که بهمنى (۱۳۹۰) هم در پژوهش خود بررسى کرده، مدارس مذهبى و حوزه‌هاى درسى دينى در پايتخت و شهرهاى ديگر ايران به تازگى تأسيس گرديد و مطابق با نتيجه‌گيرى عظيمى (۱۴۰۱) و (۱۴۰۲) در پژوهش‌هايش، لازم بود براى تأمين منابع درسى مدارس، کتاب‌هاى تأليف شود که البته بيشتر اين کتاب‌ها، شرح و حاشيه بر کتاب‌هاى فقهاى دوره‌هاى پيشين بود، اما در دوره دوم صفوى، تأليف کتاب کمتر موردنياز شد؛ در عوض، درصد تأليف رساله‌هاى موضوعى در نيمه دوم صفوى افزايش يافت و اين به جهت مطرح شدن مسائل موردنياز جامعه و لزوم افزايش تأليفاتى در خصوص اين موضوعات در قالب رساله براى پاسخگويى به پرسش‌هاى مطرح شده در مجامع علمى و تعيين تکليف مکلفين در موضوعات مطرح شده است.

منابع

آقابزرگ طهرانى، محمد محسن (۱۳۲۹). *الروضة النضره فى علماء المأه الحادى عشر*. به کوشش عليتنقى منزوى. تهران: چاپخانه مجلس

ابن خلدون، محمد (۱۳۵۳). مقدمه/ابن خلدون (ترجمه محمد پروین گنابادی). بنگاه ترجمه و نشر. (اثر اصلی منتشر شده در سال ۱۹۶۸م)

افندی، میرزا عبدالله (۱۴۰۱ ق.). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. تحقیق سید احمد الحسینی. قم: مطبعه الخيام

بخشی استاد، موسی الرضا (۱۳۹۰). مدرسه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در عصر صفویه. [پایان‌نامه دکتري، دانشگاه تهران]. تهران.

بخشی استاد، موسی الرضا و احمدی، نزهت (۱۳۹۲). تأثیر علمی مدارس در عصر صفویه پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، ۳(۱۱)، ۷-۲۷.

بهمنی، مریم (۱۳۹۰). بررسی تأثیر مدارس مذهبی اصفهان در گسترش و تثبیت تشیع در عصر صفویه. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان]. خرم‌آباد.

تاج‌بخش، احمد (۱۳۷۸). تاریخ صفویه. شیراز: انتشارات نوید شیراز

پرغو، محمد علی (۱۳۸۸). نقش علمای جبل عامل در تعمیم و تثبیت تشیع اثنی‌عشری در ایران. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز]. تبریز.

جعفریان، رسول (۱۳۷۰). دین و سیاست در دوره صفوی. قم: انتشارات انصاریان

جعفریان، رسول (۱۳۷۹). صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه

حبشی، عبدالله محمد (۱۴۲۷ ق.). جامع الشروح و الحواشی. ابوظبی: هیئه ابوظبی للثقافه و التراث

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵). امل الامل. مکتبه الاندلس

حسینی عاملی، محمد شفیع (۱۳۸۳). محافل المومنین. تصحیح کنندگان عرب‌پور، ابراهیم؛ جغتایی، منصور. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۲). روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات. تحقیق اسدالله اسماعیلیان. قم: مکتبه اسماعیلیان.

خوانساری، محمدباقر (بی‌تا). روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات. قم: انتشارات اسماعیلیان.

رئیس الساداتی، جواد (۱۳۹۳). فقه و فقه‌ت در دوره صفویه. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد]. مشهد.

سبحانی، جعفر (۱۴۱۹ ق.). موسوعه طبقات الفقهاء (مجلدات ۱-۱۳). قم: مؤسسه امام صادق شاردن، ژان (۱۳۳۸). سیاحت‌نامه شاردن (ترجمه محمد عباسی). انتشارات امیرکبیر. (اثر اصلی منتشر شده در ۱۹۵۶)

شجاعی، آیدا (۱۳۹۱). کارنامه علمی و فرهنگی دولت شیعه در ایران تا پایان دوره صفویه و تأثیرات آن در تاریخ اسلام. [پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مشهد] مشهد.

صفت گل، منصور (۱۳۸۹). ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی. تهران: رسا

طارمی، حسن (۱۳۷۵). تاریخ فقه و فقهاء (۲). تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور

عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۵). تاریخ فقه و فقهاء. تهران: انتشارات اساطیر

عظیمی، حبیب‌الله (۱۴۰۱). گسترش تولید کتب فقهی و پراکندگی جغرافیایی آن در دوره صفویه اول با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران. طرح پژوهشی اتمام یافته، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

عظیمی، حبیب‌الله (۱۴۰۲). بررسی تحلیلی سیر تألیف و کتابت آثار فقهی در نیمه دوم دوره صفویه با تأکید بر محل تألیف و استنساخ و تطبیق آن با تألیفات دوره اول با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران. طرح پژوهشی اتمام یافته، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

عقیلی، نورالله (بی تا). جستاری در زمینه‌های رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران عصر صفوی. بی نا

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۴۹). الحق المبین فی تحقیق کیفیه التفقه فی الدین؛ تصحیح: جلال الدین محدث ارموی. تهران: دانشگاه تهران

قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷). فوائد الصفویه. تصحیح میراحمدی، مریم. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

گرچی، ابوالقاسم (۱۳۷۷). تاریخ فقه و فقهاء. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

لکزایی، نجف (۱۴۳۸ق). المنهجیه المعرفیه للفقهاء السياسی عند الشیعه الامامیه. الاجتهاد المعاصر، ۳(۳)، ۷۱-۹۲.

محمدسفیان (۱۴۰۳ق). الاسوس المعرفیه لسلطه العلماء فی جبل عامل. [پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لبنان]، بیروت.

نصیری، عزت‌الله و امینه، حمیدرضا (۱۳۸۹). نقش علما و دانشمندان عصر صفوی در گسترش فرهنگ شیعه. مسکویه، ۵(۱۳).

References

- Aubin, J. (1970). *La Politique religieuse safavids, in Leshiisme imamate*. Colloque de Strasbourg, presses universitaires de France.
- Agha Buzurg Tehrani, M. M. (1950). *Al-Rawza al-Nadrah fi 'Ulama al-Ma'yah al-'Adi ash-*

- er: *With the help of Alinaghi Manzavi*. Majles Printing House [In Persian]
- Aghili, N. (n. d.) *A study on the legalization of Shiism in Safavid Iran*. [no publisher]. [In Persian]
- Azimi, H. (2006). *History of Jurisprudence and Jurists*. Asatir Publications. [In Persian]
- Azimi, H. (2022). *The Expansion of the Production of Jurisprudential Books and Their Geographical Distribution in the First Safavid Period Based on Manuscripts in Iranian Libraries* [A research project completed, National Archives and Library Organization of Iran] [In Persian]
- Azimi, H. (2023). *Analytical study of the process of composition and writing of jurisprudential works in the second half of the Safavid period with emphasis on the place of composition and reproduction and its comparison with the works of the first period with reference to the manuscripts of Iranian libraries* [A research project completed, National Archives and Library Organization of Iran] [In Persian]
- Bahmani, M. (2011). *Investigating the Impact of Isfahan Religious Schools on the Expansion and Stabilization of Shiism in the Safavid Era* [Master's thesis, University of Lorestan], Khoramabad. [In Persian]
- Bakhshi Ostad, Musa al-Reza (2011). "The School and Its Scientific and Social Impacts in the Safavid Era". [PhD Dissertation, University of Tehran]. Tehran. [In Persian]
- Bakhshi Ostad, M.R & ,Ahmadi, N. (2013). *The Scientific Impact of Schools in the Safavid Era*. *Islamic History Research Journal*, 3(11), 7-27. [In Persian]
- Charden, J. (1959). *Charden's Travelogue* (translated in Persian by Mohammad Abbasi). Amir Kabir. (Original work published 1956)
- Effendi, M. A. (1979). *Riyadh al-Ulama and Hayyaz al-Fozala*. Researched by Sayyid Ahmad al-Husayni. Al-Khayyam Press [In Persian]
- Feiyy Kashani, Molla mohsen (1960). *The manifest right in the investigation of the quality of consensus in religion*, edited by Jalal al-Din Muhaddith Urmavi, University of Tehran
- Gorji, A. (1998). *History of Jurisprudence and Jurists*. Samt [In Persian]
- Habashi, A. M. (2006), Jameo- Al-Shrooh and Al-Hawashi. Abu Dhabi Department of Culture and Culture [In Persian]
- Horre Ameli, M.B.H. (2006). *Amal Al-Amal. Al-Andalus school* [In Persian]
- Hosseini Ameli, Mohammad Shafi (2004). *Mahafil al-Momineen*, edited by Ebrahim Arabpour and Mansour Joghatai, Islamic Research Foundation [In Arabic]
- Ibn Khaldun, M. (1974), *Introduction to Ibn Khaldun* (translated in Persian by Mohammad Parvin Gonabadi). Translation and Publishing House (Original work published (1968).
- Jafarian, R. (1999). *Religion and Politics in the Safavid Period*. Ansarian Publications [In Persian]
- Jafarian, R. (2000). *Safavids in the Field of Religion, Culture and Politics*. Hajj and University Research Institute [In Persian]
- Khansari, M. B. (2013). *Gardens of Paradise in the Situation of Scholars and Sadat*. Re-

- searched by Asadullah Ismailiyan. Ismailiyan School [In Persian]
- Khansari, M. B. (n.d.). *The Gardens of Paradise in the Lives of Scholars and Sadat*. Ismaili Publications [In Persian]
- Lakzaei, Najaf (2017). *The cognitive methodology of political jurisprudence among the Imami Shiites*. Contemporary Ijtihad, 3(3), 71-92 [In Arabic]
- Muhammad Sufyan (1983). The cognitive foundations of the authority of scholars in Jabal Amel. [Master's thesis, University of Tabriz]. Tabriz. [In Arabic]
- Nasiri, Ezzatollah and Amineh, Hamidreza (2010). The role of scholars and scientists of the Safavid era in the development of Shiite culture. *Miskawah Scientific Research Quarterly*, 5(13) [In Arabic]
- Pargho, M.A. (2009). *The Role of the Scholars of Jabal Amil in the Generalization and Stabilization of Twelver Shiism in Iran* [Master's Thesis, Lebanese University]. Beirut. [In Persian]
- Qazvini, A. (1988). *Fawad al-Safawieh*. Edited by Maryam Mirahmadi. Institute of Cultural Studies and Research Publications [In Persian]
- Raees-al-Sadati, J. (2014). *Jurisprudence and Jurisprudence in the Safavid Period* [Master's Thesis, Mashhad Islamic Azad University, Mashhad]. Mashhad. [In Persian]
- Roemer, H. R. (1986). The Safavid period. In P. Jackson & L. Lockhart (Eds), the Cambridge History of Iran (pp. 90-189).
- Sefatgol, M. (2010). *Institution structure and religious thought in Safavid Iran*. Rasa [In Persian]
- Shojaei, A. (2012). *The Scientific and Cultural Record of Shiite Governments in Iran until the End of the Safavid Period and Its Impact on Islamic History* [Master's Thesis, Payam Noor University of Mashhad]. Mashhad. [In Persian]
- Sobhani, J. (1997). *Encyclopedia of the Classes of Jurisprudents* (Volumes 1-13). Imam Sadiq (AS) Institute [In Persian]
- Tajbakhsh, A. (1999). *Safavid history*. Navid Shiraz Publications [In Persian]
- Taremi, H. (1996). *History of Jurisprudence and Jurists* (2). Payam Noor University Printing and Publishing Center [In Persian]